



وام‌گیری فعلی در زبان‌های فارسی، کردی و ترکی آذربایجانی

مهرداد نغزگوی کهن^۱

علی عبدالملکی^۲

چکیده

در این مقاله، به بررسی راه‌کارهای انطباق وام‌واژه‌های فعلی در زبان‌های فارسی، کردی و ترکی آذربایجانی می‌پردازیم. شواهد موجود بیانگر آن است که زبان فارسی در مقام زبان پذیرا، افعال قرضی را مستقیماً به صورت «فعل» در نظام فعلی خود وارد نمی‌کند، بلکه از سه راه‌کار عمده دیگر انطباق وام‌واژه‌های فعلی یعنی «همکرد»، «وام‌گیری معنایی» و «درج غیرمستقیم» استفاده می‌کند. با آن‌که زبان کردی جزو زبان‌های ایرانی است، ولی راه‌کار «همکرد» در آن رواج ندارد و در عوض، هنگام وام‌گیری افعال، در کردی بیشتر از دو راه‌کار «درج مستقیم» و «وام‌گیری معنایی» استفاده می‌گردد. دلیل استفاده از راه‌کار «درج مستقیم» را می‌توان به شباهت ساختاری، آوایی و معنایی فارسی و کردی و وام‌گیری عمده این زبان از فارسی نسبت داد. در زبان ترکی آذربایجانی، «درج مستقیم» در انطباق وام‌واژه‌های فعلی جایی ندارد، زیرا مانند گونه‌های زبان کردی در داخل ایران، افعال خارجی به‌طور عمده از فارسی وارد این زبان می‌گردد و شباهت ساختاری، آوایی و معنایی فارسی و ترکی حداقلی است. به‌علت همین عدم شباهت (به‌خصوص آوایی) است که در این زبان از راه‌کار «وام‌گیری معنایی» در کنار راه‌کار «درج غیرمستقیم» در مقام راه‌کارهای عمده انطباق وام‌واژه‌های فعلی استفاده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تماس زبانی، وام‌گیری فعلی، رده‌شناسی، فارسی، کردی، ترکی آذربایجانی.

1. recipient language

✉ mnkohan@yahoo.com

۱- دانشیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا

✉ abdolmaleki110@gmail.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه بوعلی‌سینا

تاریخ پذیرش: ۱۳/۰۱/۹۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۵/۱۲

۱. مقدمه

وام‌گیری زبانی در اثر تماس زبانی ایجاد می‌شود. وام‌گیری می‌تواند بر همه اجزاء و مؤلفه‌های زبانی تأثیر بگذارد، از صرف، نحو، نظام واجی زبان گرفته تا واژگان. رایج‌ترین نوع وام‌گیری زبانی وام‌گیری واژگانی است. وام‌گیری واژگانی به همراه فرایندهای واژه‌سازی مثل اشتقاق، ترکیب و جز آن، از جمله روش‌هایی هستند که از رهگذر آن‌ها کلمات جدید وارد زبان می‌شوند. هنگام وام‌گیری واژگانی، وام‌واژه^۱ از زبان وام‌دهنده^۲ به زبان پذیرا / وام‌گیرنده انتقال می‌یابد. صورتی که در زبان وام‌دهنده ملاک و الگوی وام‌گیری قرار گرفته است، مدل^۳ نامیده می‌شود و صورت متناظر و مشابه آن در زبان پذیرا، بدل^۴ نام دارد. تمامی فرایندهایی که در زبان پذیرا برای تطبیق وام‌واژه با نظام صرفی و نحوی به کار گرفته می‌شوند، راه‌کارهای انطباق^۵ نام دارند.

یکی از سؤالات مهم در زمینه وام‌گیری واژگانی تأثیر احتمالی نوع مقولۀ واژگانی در میزان و شدت وام‌گیری است. هاگن^۶ (۱۹۵۰) از جمله متقدم‌ترین محققان در قرن بیستم است که سعی نمود به این سؤال پاسخ دهد.^۷ وی ترتیب طبیعی وام‌گیری واژگانی را به قرار زیر می‌داند:

اسم < فعل < صفت < قید < حرف/اضافه < صوت

براساس نمودار فوق میزان وام‌گیری «اسم» بیش از سایر مقولات واژگانی است. فعل در رتبه دوم وام‌گیری قرار دارد. صفت‌ها، و قیدها در رتبه‌های بعدی هستند. به همین ترتیب اصوات متعلق به مقوله‌ای هستند که وام‌گیری آن‌ها از همه مقوله‌های دیگر سخت‌تر است.

هاسپلمت^۸ (۲۰۰۳) دلیل زیاد بودن احتمال وام‌گیری اسامی را خاصیت/ارجاع و پذیرفتن نقش‌های تنبایی آن - می‌داند. وی وام‌گیری فعل را کار ساده‌ای نمی‌داند، زیرا از نظر او در بسیاری از زبان‌ها (مثل زبان فرانسوی)، افعال به علت داشتن نظام تصریفی پیچیده، وام گرفته نمی‌شوند. البته این دلیل هاسپلمت نمی‌تواند درست باشد، زیرا وام‌گیری از نظر بسیاری از زبان‌شناسان تنها محدود به «وام‌گیری جوهری»^۹ یا مواد زبانی نیست و در زبانها از «وام‌گیری انگاره‌ای»^{۱۰} یا «وام‌گیری معنایی» نیز استفاده می‌شود (برای توضیح بیشتر در مورد تمایز میان وام‌گیری جوهری و وام‌گیری انگاره‌ای رک. سیکل^{۱۱}، ۲۰۰۷، و

1. loan word

2. donor language

3. Model

4. replica

5. accommodation strategies

6. Haugen

۷. البته لازم به یادآوری است که اولین تحقیقات در مورد وام‌گیری سابقه بسیار قدیم‌تری دارد، مثلاً در این راستا می‌توان به ویتنی (۱۹۷۱/۱۸۸۱)، پاول (۱۹۶۸/۱۹۲۰)، و میه (۱۹۲۱) اشاره کرد (برای مطالعه بیشتر در زمینه پیشینه مطالعات در مورد وام‌گیری رک. ولگموت ۲۰۰۹ و فیلد ۲۰۰۲).

8. Haspelmath

9. matter borrowing

10. pattern borrowing

11. Sakel

نغزگوی کهن ۱۳۹۲، برای وام‌گیری معنایی رک. بخش ۲. ۱. ۳ همین مقاله). در ادامه این مقاله به همین موضوع، یعنی وام‌گیری فعلی می‌پردازیم و ضمن شرح انواع راه‌کارهای انطباق وام‌واژه‌های فعلی در زبان‌های پذیرا، سعی می‌کنیم راه‌کارهای انطباق وام‌واژه‌های فعلی را در زبان‌های فارسی، کردی (سنندجی) و ترکی آذربایجانی شناسایی کنیم.

۲. وام‌گیری فعلی

در زبان‌های جهان از راه‌کارهای انطباق مختلفی برای اضافه کردن وام‌واژه‌ها استفاده می‌شود. تاکنون محققان زیادی سعی نموده‌اند تا این راه‌کارها را شناسایی و طبقه‌بندی کنند. شاید موراوزچیک^۱ (۱۹۷۵) را بتوان از جمله اولین محققانی دانست که دربارهٔ افعال قرضی و شیوهٔ وام‌گیری آن‌ها دست به تحقیق زده است. وی با توجه به وام‌گیری‌های فعلی در زبان‌های یونانی، آلمانی، مجاری و انگلیسی، بر این نکته پای می‌فشارد که فعل با مقولهٔ اصلی وارد زبان پذیرا نمی‌شود، بلکه باید آن‌را به‌عنوان مقوله‌ای غیر فعلی (مثلاً اسم) وارد زبان مقصد/پذیرا کرد و پس از انجام فرایند فعل‌سازی دوباره وارد نظام فعلی نمود. در این راستا، موراوزچیک از اشتقاق صفر برای توجیه مواردی استفاده می‌کند که ظاهراً بدون تغییر و بدون انجام فرایند فعل‌سازی، در زبان مقصد به‌کار برده شده‌اند. در واقع توضیح موراوزچیک ناظر بر یکی از «راه کارهای» چندگانهٔ وام‌گیری فعلی است که در این مقاله از آن با نام «درج غیرمستقیم»^۲ یاد کرده‌ایم (رک. بخش ۱.۲ همین مقاله). بعد از تحقیق موراوزچیک (۱۹۷۵)، محققانی چون میفسود^۳ (۱۹۹۵)، موراوزچیک موراوزچیک (۲۰۰۳)، ویچمن^۴ (a, b, c, ۲۰۰۴)، ولگموت^۵ (a, b, ۲۰۰۵)، ویچمن و ولگموت (۲۰۰۸)، سولیوان^۶ (۲۰۰۸)، و ولگموت (۲۰۰۹) مطالعات دیگری در این زمینه انجام دادند و سعی نمودند تا راه کارهای انطباق وام‌واژه‌های فعلی را شناسایی، توصیف و تبیین نمایند. از آنجاکه توصیفات ولگموت (۲۰۰۹) از جملهٔ جامع‌ترین این توصیفات به‌شمار می‌رود، در این مقاله از آن در مقام چارچوب مطالعهٔ وام‌گیری فعلی، در زبان‌های فارسی، کردی (سنندجی) و ترکی آذربایجانی استفاده کرده‌ایم. در بخش زیر به طور اجمالی این چارچوب را معرفی می‌نماییم.

۲.۱. راه‌کارهای انطباق وام‌واژه‌های فعلی (ولگموت ۲۰۰۹)

ولگموت براساس مطالعه بر روی ۳۵۰ زبان جهان ابتدا راه‌کارهای انطباق را به سه دستهٔ کلی ۱. راه‌کارهای اصلی^۷ ۲. دیگر انگاره‌ها^۸ و ۳. بی-انگاره‌ها^۹ تقسیم می‌کند. هر یک از این سه دستهٔ به

1. Moravcsik
2. indirect insertion: IndI
3. Mifsud
4. Wichman
5. Wohlgemuth
6. Sullivan
7. Main strategies
8. other patterns
9. non-patterns

راه‌کارهای خاص‌تری قابل تقسیم هستند. در زیر به تفکیک به بررسی و توصیف هر یک از این موارد می‌پردازیم.

۲.۱.۱. راه‌کارهای اصلی انطباق وام‌واژه‌های فعلی

راه‌کارهای اصلی انطباق وام‌واژه‌های فعلی مشتمل بر چهار فرایند اصلی زیر است:

الف. درج مستقیم^۱. در این راه‌کار، ستاک فعلی به همان صورت اولیه و با همان مقوله فعلی وارد زبان پذیرا پذیرا می‌گردد و هیچ تغییر صرفی-نحوی در آن رخ نمی‌دهد. بسیاری از زبان‌ها از این راه‌کار استفاده می‌کنند، مثلاً از زبان انگلیسی فعل "download" "دانلود کردن"، بدون تغییر صرفی و معنایی وارد زبان آلمانی شده‌است و در صیغه‌های مختلف فعلی به کار می‌رود:

Du downloadest das Program.

" تو برنامه را دانلود می‌کنی " (est- در downloadest شناسهٔ دوم شخص مفرد است که به ستاک فعلی متصل شده‌است).

در ۵۲/۵٪ زبان‌های مورد بررسی ولگموت از این راه‌کار استفاده شده است (ولگموت ۲۰۰۹: ۱۵۷).

ب. درج غیرمستقیم. در این راه‌کار، جزئی که در زبان پذیرا فعل‌ساز است (مثلاً یک وند) به فعل قرضی اضافه می‌شود تا آن را به لحاظ صرفی متناسب با زبان پذیرا گرداند:

مثلاً به فعل‌های قرضی که از زبان انگلیسی استرالیایی وارد زبان پیتجان‌تیانتجارا^۳ شده‌اند، عناصر فعل‌ساز pu و kara اضافه شده تا افعال قرضی در زبان پذیرا نیز نقش فعلی داشته باشند (ولگموت ۲۰۰۹: ۹۴، مأخوذ از گلس و هاگت^۴ ۱۹۷۰: ۴):

payi-pu-wa

pay-VBLZ-IMP

pay "پرداختن"

shower-kara-la

shower-VBLZ-IMP

have a shower "دوش گرفتن"

در ۲۰/۶٪ از زبان‌های مورد بررسی ولگموت (۲۰۰۹) این راه‌کار مورد استفاده قرار گرفته است.

ج. راه‌کار همکرد^۵. در این روش فعلی زبان وام‌دهنده به صورت جزئی غیرتصریفی وارد زبان پذیرا می‌شود و در مقام بخشی از فعل مرکب (جزء غیرفعلی/همراه) در می‌آید. در فعل مرکب، این همکرد است که نقش هر گونه تصریف (وجه، نمود، زمان) را بر عهده می‌گیرد. در بسیاری از گویش‌های زبان ترکی این راه‌کار، راه‌کار اصلی به شمار می‌رود (در ترکی آذربایجانی چنین نیست، رک. بخش ۳.۴ همین مقاله). در

1. direct insertion: DI
2. verbalizer: VBLZ
3. Pitjantjatjara
4. Glass and Hackett
5. light verb strategy: LVS

مثال زیر فعل «park» از انگلیسی وارد ترکی شده است و سپس از همکرد yap-mak ترکی برای تبدیل آن به فعل استفاده گردیده است (ولگموت ۲۰۰۹: ۱۰۳، مأخوذ از لوئیس^۱ ۱۹۸۵: ۱۵۵):

park yap-mak
park be-INF
"پارک کردن"

در زبان‌های مورد بررسی ولگموت این راه کار به لحاظ میزان کاربرد، جایگاه دوم را اشغال می‌کند. در واقع ۲۳/۸٪ درصد زبان‌های نمونه وی نمایانگر چنین راه‌کاری هستند. درج صیغگان^۲ / انتقال صیغگان^۳. در این راه‌کار، فعل به همراه صیغگان (شیوه تصریف آن در صیغه‌های مختلف) وارد زبان پذیرا می‌شود. درج صیغگان از جمله موارد بسیار کم‌استعمال است و تنها در سه زبان از نمونه زبان‌های مورد تحقیق ولگموت (۲۰۰۹: ۱۱۸) از آن استفاده شده است (معادل ۰/۵٪ زبان‌های مورد بررسی). در مثال زیر (مترس ۲۰۰۵: ۲۴۹ مثال ۸)، فعل xallī "اجازه دادن" از زبان عربی (گونه گفتاری لواتاین جنوبی^۴) به صورت تصریف شده سوم شخص جمع xallīhum "به آنها اجازه بدهید"، مستقیماً وارد زبان دمری^۵ شده است:

xallīhum skunnhōšad barariyamma
let.3PL live.SBJV.3PL outside.LOC

"به آن‌ها اجازه بدهید بیرون زندگی کنند."

۲.۱.۲. دیگر انگاره‌های انطباق وام‌واژه فعلی

ولگموت دو دسته «تکمیل^۶ (صیغگانی)» و «نامشخص^۷» را ذیل «دیگر انگاره‌ها» معرفی می‌کند. در تکمیل صیغگانی، بعضی صورت‌های تصریف شده زبان وام‌دهنده جایگزین صورت‌های تصریف‌شده صیغگان بعضی افعال زبان پذیرا می‌شود. در این نوع وام‌گیری معمولاً فعل به طور کامل وام گرفته نمی‌شود، یعنی برای همه صیغه‌ها کاربرد ندارد و تنها در چند صیغه به کار می‌رود. مثلاً در بلغاری تنها صورت‌های امر فعل "آمدن" /مدن" از یونانی وام گرفته شده است (صورت ell) و جایگزین صورت‌های امر مفرد dojdí و جمع dojdé بومی شده است (ولگموت، ۲۰۰۹: ۱۲۵، مأخوذ از فویلته^۸، ۱۹۹۶: ۷۷).

´ela,
come.IMP,
el´a-te
come.IMP-PL

1. Lewis
2. paradigm insertion:PI
3. paradigm transfer
4. south Levantine
5. Domari
6. suppletion
7. unidentified
8. Feuillet

"بیا" و "بیاید"

این نوع وام‌گیری معمولاً هنگامی رخ می‌دهد که تماس زبانی بسیار زیاد و مستمر باشد. در چارچوب ولگموت راه‌کار «نامشخص» نیز مانند راه کار «تکمیل (صیغگانی)» است، با این تفاوت که جایگزینی بعضی از صیغگان فعل تنها در موقعیت‌های خاص کاربرد دارد (مثلاً میان دریانوردان هنگام امر یا تقاضا کردن). در این مورد، صیغه‌های فعلی به صورت کلیشه وارد زبان می‌شود، بدون این که گویشوران از ساختار درونی صیغه‌های وارد شده اطلاعی داشته باشند، مثل صورت ایتالیایی فعل *andiamo!* ("بیا) بریم" که از این زبان وارد گونه عربی کشور لیبی شده است (ولگموت ۲۰۰۹: ۱۲۶، مأخوذ از عبدو^۱ ۱۹۸۸: ۴۴).

?indyaamu

"بریم" (عربی لیبی)

۳.۱.۲. بی‌انگاره‌ها

ولگموت این نام عجیب را برای مواردی از انطباق وام‌گیری فعلی به کار می‌برد که در آن ماده زبانی وام گرفته نمی‌شود و تنها با وام‌گیری معنایی روبرو هستیم. از این عجیب‌تر جای گرفتن «عدم وام‌گیری فعلی» در این دسته است. به نظر نگارندگان جای دادن این دو دسته در یک گروه آن هم با این عنوان موجه نیست و هیچ دلیل منطقی و زبانی ندارد، زیرا حداقل وام‌گیری معنایی بی‌انگاره نیست و می‌تواند بسیار نظام‌مند باشد (برای توضیحات بیشتر رک. هاینه^۲ و کوتوا^۳ ۲۰۰۵). در وام‌گیری معنایی تنها مفهوم/معنی از زبان وام دهنده وارد زبان پذیرا می‌شود و مواد زبانی مورد استفاده برای بیان این معنای قرضی بومی هستند، مانند کاربرد «پول ساختن» به جای «پول در آوردن» که ترجمه *make money* زبان انگلیسی است و بیشتر در میان ایرانیان خارج از کشور (مخصوصاً آمریکا) رایج است. در نمونه زبان‌های مورد بررسی ولگموت در ۳/۱٪ زبان‌ها از وام‌گیری معنایی استفاده شده است و علاوه بر این در تنها سه زبان اصلاً هیچ نوع وام‌گیری فعلی صورت نگرفته است (ولگموت، ۲۰۰۹: ۱۲۹ و ۳۲؛ در ادامه این مقاله خواهیم دید که در هر سه زبان مورد بررسی ما از وام‌گیری معنایی استفاده شده است).

۳. شواهد

در این تحقیق سه زبان فارسی، کردی و ترکی آذربایجانی برای بررسی راه‌کارهای انطباق وام‌واژه‌های فعلی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. زبان فارسی از ادوار بسیار دور در تماس زبانی با تعداد زیادی زبان ایرانی و غیر ایرانی بوده است. به علت جایگاه و اهمیت زبان فارسی تقریباً تمامی زبان‌های ایرانی، مخصوصاً زبان‌هایی که در گستره جغرافیایی کشور ایران قرار دارند، تحت تأثیر این زبان قرار داشته‌اند. از میان زبان‌های غیرایرانی، تا قبل از شروع دوره تجدد، بیشترین تعاملات فارسی با زبان‌های عربی و ترکی بوده

1. Abdou
2. Heine
3. Kuteva

است. بعد از ورود اسلام به ایران، زبان فارسی در مقابل عربی در اکثر موارد به عنوان زبان پذیرا نقش ایفا کرده است و عناصر بسیاری از عربی وارد این زبان شده است (برای مطالعه بیشتر در مورد رابطه عربی با فارسی و گونه‌های آن رک. نغزگوی کهن ۱۳۹۲). رابطه فارسی با گونه‌های ترکی کمی پیچیده‌تر بوده است. با آنکه گونه‌های ترکی با نفوذ تدریجی خود جایگزین چندین زبان ایرانی شده‌اند (مثل زبان آذری قدیم در آذربایجان، یا سعدی و خوارزمی در آسیای میانه، رک ارانسکی ۱۳۷۸: ۸۸ و ۹۲)، ولی در عوض عناصر زبانی فراوانی را از فارسی وام گرفته‌اند. فارسی نیز به علت تماس تنگاتنگش با گونه‌های ترکی عناصر واژگانی بسیار کمتری از آن وام گرفته است. با شروع تجدد، علاوه بر زبان‌های منطقه‌ای مجاور، زبان فارسی در تماس بیشتری با زبان‌های اروپایی قرار گرفت و عناصر واژگانی بسیاری از این زبان‌ها (به خصوص انگلیسی و فرانسوی) وارد فارسی شد و این روند همچنان ادامه دارد. علت استفاده از زبان فارسی در این تحقیق، همین تماس‌های زبانی و اهمیت تاریخی، اجتماعی، و گستره نفوذ این زبان بوده است. ترکی آذربایجانی نیز به دلیل تعداد گویشوران و تعاملات آن با زبان فارسی انتخاب شده است. اهمیت دیگر ترکی این است که جزء زبان‌های ایرانی نیست و شیوه تعاملات زبانی آن با فارسی می‌تواند روشنگر بعضی از مسائل وام‌گیری فعلی باشد. استفاده از زبان سوم، یعنی کردی (که مثل فارسی جزء زبان‌های ایرانی محسوب می‌شود) نیز دارای اهمیت خاص خود است. وام‌گیری‌های این زبان (به خصوص گونه‌های آن در ایران، در اینجا گونه سنندجی) مانند ترکی آذربایجانی بیشتر، از زبان فارسی صورت می‌پذیرد، بنابراین می‌توان میزان تأثیر خویشاوندی زبانی را در انتخاب راه کارهای انطباق وام‌گیری فعلی دریافت.

با توجه به ملاحظات فوق، برای این تحقیق از یک فرهنگ یک‌زبانه (مورد الف) و دو فرهنگ دو زبانه (موردهای ب و ج) به عنوان پیکره برای شناسایی و توصیف راه کارهای انطباق وام‌واژه‌های فعلی در زبان‌های فارسی، کردی و ترکی آذربایجانی استفاده کرده‌ایم:

الف. فرهنگ بزرگ هشت جلدی فارسی سخن تألیف حسن انوری (۱۳۸۲). این فرهنگ شامل بیش از ۷۵۰۰۰ سرواژه اصلی، ۴۵۰۰۰ سرواژه فرعی و ۱۶۰۰۰۰ شاهد مستند، ۱۰۰۰۰ مثال و ۱۵۰۰ تصویر است.

ب. فرهنگ سه جلدی فارسی-کردی، تألیف مردوخ روحانی (۱۳۸۵). این فرهنگ مشتمل است بر حدود پنجاه هزار واژه کردی است. در این کتاب تنها سرواژه‌های فارسی آوانویسی شده‌اند و معادل‌ها و توضیحات کردی به خط فارسی به نگارش درآمده‌اند. از آنجا که معادل‌های کردی مربوط به گونه‌های مختلف کردی است، تنها معادل‌هایی که در گویش سنندجی (سنه‌ای) کاربرد دارند ملاک این تحقیق قرار گرفته‌اند و به تلفظ همین گونه مجدداً آوانویسی شده‌اند.

ج. فرهنگ یک جلدی آذربایجانی-فارسی، تألیف بهزاد بهزادی (۱۳۶۹). این فرهنگ یکی از جامع‌ترین و معتبرترین فرهنگ‌های آذربایجانی - فارسی است که حدود هجده هزار واژه را دربرمی‌گیرد. از آنجاکه در

این فرهنگ برای به‌دست دادن تلفظ‌ها آوانویسی رایج مورد استفاده قرار نگرفته است، واژه‌های مورد استفاده در این مقاله به لهجه تبریزی آوانویسی شده‌اند.^۱

۴. راه‌کارهای انطباق وام‌گیری فعلی در زبان‌های فارسی، کردی و ترکی آذربایجانی

در این قسمت با توجه به چارچوب ولگموت (۲۰۰۹) راه‌کارهای عمده انطباق وام‌گیری فعلی در سه زبان فارسی، کردی و ترکی آذربایجانی را به تفکیک مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را بازمی‌نماییم.

۴.۱. راه‌کارهای عمده انطباق وام‌گیری فعلی در زبان فارسی

با توجه به بررسی به عمل آمده، در زبان فارسی از سه راه‌کار عمده «همکرد»، «درج غیرمستقیم» و «وام‌گیری معنایی» برای انطباق وام‌واژه‌های فعلی استفاده می‌شود.

۴.۱.۱. راه‌کار همکرد

این راه‌کار از رایج‌ترین راه‌کارهای انطباق وام‌واژه فعلی در زبان فارسی است. فعل قرضی در مقام «همراه»، جزء غیرتصریفی فعل مرکب را می‌سازد و «همکرد» به عنوان فعل بومی وظیفه تصریف برای زمان، نمود، وجه و جز آن را برعهده می‌گیرد (برای توضیح بیشتر در مورد همکرد و خصوصیات آن رک. نغزگوی کهن و داوری (۱۳۹۱)). در فرایند انطباق افعال قرضی از همکردهای زیر استفاده شده است (بعد از هر همکرد در داخل پرانتز تعداد کاربرد در افعال مرکب زبان فارسی یا به عبارت دقیق‌تر بسامد نوع همکرد در فرهنگ مورد بررسی آمده، سپس یک مثال به‌دست داده شده است):

کردن (بیش از ۲۴۰۰): شوت کردن، شدن (بیش از ۹۰۰ مورد): آبونه‌شدن، داشتن (۱۲۵): تأخیرداشتن، دادن (۸۰): ویراژدادن، گرفتن (۷۱): آفسایدگرفتن، یافتن (۲۲): تخصیص‌یافتن، زدن (۵۸): استارت‌زدن، کشیدن (۲۱): یدک‌کشیدن، آوردن (۳۸): حجت‌آوردن، خوردن (۲۶): گل‌خوردن، گذاشتن (۲۴): کلاس-گذاشتن، ساختن (۲۱): قوریلتا‌ساختن "تشکیل شورا دادن"، بخشیدن (۲۰): تحقّق‌بخشیدن، بردن (۱۹): اجریدن، بستن (۱۸): تهمت‌بستن، ورزیدن (۱۸): بخل‌ورزیدن، دیدن (۱۶): خسارت‌دیدن، آمدن (۱۵): غالب-آمدن، افتادن (۱۱): اختلاف‌افتادن، پذیرفتن (۱۱): تحقّق‌پذیرفتن، ماندن (۷): ضایع‌ماندن، رفتن (۷): طفره-رفتن، فروختن (۵): فضل‌فروختن، فرمودن (۴): توسامیشی فرمودن "عطا کردن"، شمردن (۵): جایزشمردن، تراشیدن (۵): اشکال‌تراشیدن، رسیدن (۴): خلل‌رسیدن، جستن (۵): تمسک‌جستن، بریدن (۳): حبس‌بریدن، راندن (۳): شهوت‌راندن.

۴.۱.۲. راه‌کار درج غیرمستقیم

در زبان فارسی دسته‌ای از فعل‌ها هستند که به «فعل‌جعی» معروفند. در این افعال با ماده یا ستاک مضارعی روبرو هستیم که ریشه در صفت‌های فاعلی یا مفعولی یا دیگر ماده‌های ایرانی‌باستان ندارد، بلکه

۱. آوانویسی‌های کردی سنندجی و ترکی تبریز را آقای علی عبدالملکی (نویسنده دوم این مقاله) انجام دادند و جناب آقای دکتر یوسف آرام، عضو هیات علمی گروه زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا، آوانویسی‌های ترکی تبریز را ویرایش نمودند. از ایشان به علت زحمتی که متقبل شدند بسیار سپاسگزاریم.

از اشتقاق صفر (یا تبدیل^۱) اسم، صفت، ضمیر قید یا حرف اضافه ساخته شده‌اند. البته ساخت ستاک مضارع از ضمیر، قید، حرف اضافه بیشتر مربوط به فارسی میانه بوده است و در فارسی نو این اسامی و صفات هستند که با اشتقاق صفر تبدیل به ستاک فعلی می‌گردند، مانند: جنگیدن، لمیدن، سریدن و غیره (برای مثال‌هایی از شیوه ساخت افعال جعلی در فارسی میانه رک. منصوری ۱۳۸۲). ساخت فعل جعلی منحصر به عناصر بومی نیست و در انطباق تعداد کمی از افعال قرضی که به صورت اسم وارد فارسی می‌شوند نیز نقش دارد. به عبارت دیگر، برای تبدیل این عناصر به فعل از راه کار درج غیرمستقیم، یعنی اضافه شدن صفر به اسم (اشتقاق صفر) استفاده شده است. با این تبدیل وندهای فعلی، مثل وند ستاک گذشته (مثل -رقصیدن، شناسه‌ها و یا نشانه مصدری می‌توانند به صورت تبدیل یافته اضافه شوند، مانند: بلعیدن، چاپیدن، شوتیدن، صرفیدن، طلبیدن، فهمیدن، قاپیدن، گازیدن، یونیدن، و تلگرافیدن و موارد کم‌شمار دیگر.

۴. ۱. ۳. راه‌کار وام‌گیری معنایی (گرفته‌برداری)

از این راه‌کار بیشتر در ترجمه‌های شتابزده، مثل ترجمه‌های همزمان یا مطبوعاتی استفاده می‌شود. بعضی از این ترجمه‌ها به علت کاربرد فراوان در زبان به اصطلاح «جا می‌افتند»، گرچه ادیبان و دست‌نویسان سنتی به شدت این نوع ساخت‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهند. در پیکره مورد نظر ۴۶ مورد از وام‌گیری معنایی مشاهده شده است. بعضی از این موارد که از انگلیسی وام‌گیری معنایی شده‌اند، عبارتند از:

"پوشش‌دادن" در ترجمه: to cover ،

"آتش‌گشودن" در ترجمه: to open fire ،

"به چیزی بستگی داشتن" در ترجمه: to depend on ،

"رنج‌بردن" در ترجمه: to suffer from ،

"بی‌تفاوت بودن" در ترجمه: to be indifferent .to.

و موارد دیگر.

۴. ۱. ۴. مقایسه راه‌کارهای انطباق در وام‌گیری فعلی در زبان فارسی

در بالا دیدیم که در زبان فارسی از سه راه‌کار عمده «همکرد»، «وام‌گیری معنایی» و «درج غیرمستقیم» استفاده می‌شود. میزان کاربرد راه‌کار همکرد از سایر راه‌کارها بیشتر است و این امر خود می‌تواند نشان دهنده گرایش این زبان در کاربرد ساخت‌های تحلیلی باشد تا ترکیبی. در مقابل، استفاده از راه‌کار درج غیرمستقیم می‌تواند ناظر بر گرایش یک زبان به ساخت‌های ترکیبی باشد، ولی شواهد نشان می‌دهد که در فارسی از درج غیرمستقیم به ندرت استفاده شده است. با این ملاحظات و با توجه به شواهد موجود، راه‌کارهای انطباق در وام‌گیری فعلی به ترتیب اهمیت عبارتند از راه‌کار همکرد، راه‌کار وام‌گیری معنایی و راه‌کار درج غیرمستقیم.

۴.۲. راه‌کارهای عمده انطباق وام‌واژه‌های فعلی در کردی

بررسی داده‌های موجود مبین آن است که راه‌کار «همکرد» نقش عمده‌ای در انطباق افعال قرضی در زبان کردی ندارد و این راه‌کارهای «درج مستقیم» و «وام‌گیری معنایی» هستند که نقش عمده را در وام‌گیری فعلی ایفا می‌کنند.

۴.۲.۱. راه‌کار «همکرد» یا راه‌کارهای «درج مستقیم» و «وام‌گیری معنایی»؟

از آنجا که کردی و فارسی جزء یک خانواده زبانی هستند و مشترکات آن‌ها فراوان است، مشابهت‌های زیادی نیز در کاربرد همکردهای مشابه برای ساخت فعل مرکب در آن‌ها وجود دارد؛ همین امر شناسایی و تمیز راه‌کار «همکرد» از راه‌کار «درج مستقیم» یا «وام‌گیری معنایی» را در این زبان بسیار مشکل می‌سازد، زیرا در اکثر موارد فعل مرکب متناظر (با معنا و همکرد مشابه) در فارسی نیز کاربرد دارد. با این حال، چون رابطه زبان کردی (به‌خصوص کردی سنندجی ایران که مطمح نظر ماست) بسیار بیشتر با فارسی است تا عربی و یا زبان‌های دیگر، منطقی است که افعال قرضی به‌خصوص در سطح رسمی‌تر از طریق فارسی وارد این زبان شده باشد. بنابراین، علی‌رغم استفاده فراوان از همکرد در ساخت فعل مرکب در کردی، باید وجود اکثر قریب به اتفاق افعال مرکب قرضی را یا به «درج مستقیم» از فارسی یا وام‌گیری معنایی از این زبان نسبت داد. پس به‌طور کلی راه‌کار همکرد نمی‌تواند راه‌کار عمده‌ای برای انطباق افعال قرضی باشد. به‌همین دلیل می‌توان کلاً راه‌کار همکرد را در کردی به کناری گذاشت و آن را در نظر نگرفت. به این ترتیب افعال مرکبی که دارای عناصر معنایی و آوایی قرضی هستند، در دو راه‌کار «درج مستقیم» و «وام‌گیری معنایی» جای می‌گیرند. شیوه انتصاب این افعال مرکب قرضی به هر یک از دو دسته به قرار زیر است:

۱. اگر همکرد فعل مرکب در فارسی و کردی شباهت آوایی داشته باشند، و جزء «همراه/ غیرفعلی» یا «همکرد» فعل مرکبی را بسازد که معنای مشابهی با فارسی داشته باشد، مورد مزبور را در راه‌کار «درج مستقیم» لحاظ کرده‌ایم. همکردهایی که شباهت آوایی با همکردهای فارسی دارند به قرار زیرند:

«کردن» kerden / «کردن»، «گرتن» gerten / «گرفتن»، «کیشان» kišān: «کشیدن»، «هاوردن» hāwerden / «آوردن»، «دیتن» diten / «دیدن»، «خواردن» xwārden / «خوردن»، «بردن» berden / «بستن» basten / «بستن».

۲. اگر همکرد فعل مرکب (با معنای مشابه و جزء غیرفعلی یکسان) در فارسی و کردی معنای مشابهی داشته باشند و شباهت آوایی نداشته باشند، مورد مزبور را جزء راه‌کار «وام‌گیری معنایی» تلقی کرده‌ایم. این همکردها به قرار زیر هستند:

«بوون» bun / «شدن»، «دان» dān / «دادن»، «لیدان» lēdān: «زدن»، «خستین» xesten / «انداختن»، «چوون» čun / «رفتن»، «هه‌بوون» habun: «داشتن».

۴.۲.۲. راه‌کار درج مستقیم

همان‌طور که گفتیم، به علت شباهت‌های ساختی زبان فارسی و کردی و همچنین تماس زبانی مداوم این دو زبان، بسیاری از افعال (ساده و مرکب) با استفاده از راه‌کار «درج مستقیم» از زبان فارسی وارد کردی شده‌اند. در مواردی این افعال خود از زبان دیگری (جز فارسی) سرچشمه گرفته‌اند. در زیر تعدادی از افعال ساده را آورده‌ایم:

bāwarānden «باوراندن»، parānden «پراندن»، ranjānden «رنجاندن»، jošānden «جوشاندن» (و ۱۶ مورد دیگر).

در کردی درج مستقیم افعال مرکب کاربرد بسیار بیشتری دارد. از آنجا ذکر تمامی این افعال مرکب در اینجا میسر نمی‌باشد، تنها به ذکر همکردها و بسامد نوع آن‌ها در افعال مرکب به همراه یک مثال اکتفا کرده‌ایم (بسامد نوع هر همکرد، یعنی تعداد کاربردهای آن در افعال مرکب که در داخل پراتنژ آمده است):

«کردن»/kerden (بیش از ۴۰۰ مورد): estrilkerden «استریل کردن»،

«گرتن»/gerten (۴۷): kopi gerten «کپی گرفتن»،

«کیشان»/kišan (۲۴): otukišan «اتو کشیدن»،

«هاوردن»/hāwerden (۶): imānhāwerden «ایمان آوردن»،

«دیتن»/diten (۷): āsiwditen «آسیب دیدن»،

«خواردن»/xwārden (۱۲): berxwarden «برخوردن»،

«بردن»/berden (۶): lazatberden «لذت بردن»،

«بستن»/basten (۹): safbasten «صف بستن».

۴.۲.۳. وام‌گیری معنایی

بسیاری از افعال کردی (به‌خصوص افعال اصطلاحی) با استفاده از ترجمه قرضی از زبان فارسی ساخته شده‌اند. البته همان‌طور که می‌دانیم بعضی از این اصطلاحات در فارسی نیز قرضی بوده‌اند. در زیر به دو مورد اشاره می‌شود (جمع وام‌گیری‌های معنایی ۲۹ مورد است):

la bān kasek hasāw kerdn «روی کسی حساب کردن»،

mayz kasek šorden «مغز کسی را شستن (شستشوی مغزی دادن)».

به فهرست فوق تعداد زیادی از افعال مرکب را می‌توان اضافه کرد که همکرد آن‌ها ترجمه همکرد فعل مرکب متناظرشان در زبان فارسی است (عدد داخل پراتنژ تعداد استفاده از همکرد در افعال مرکب مختلف است):

bun/«بوون» (بیش از ۱۷۰ مورد): imzā bun «امضاء شدن»،

dān/«دان» (۶۶): wiraždān «ویراژ دادن»،

lēdān/«لیدان» (۲۹): imzālēdān «امضاء زدن»،

xesten/«خستن» (۸): ruxesten «رو انداختن»،

«چوون»/čun(۳) barqčun "برق رفتن"،

«هه‌بوون»/habun(۵) zararhabun "ضرر داشتن".

۴.۲.۴. مقایسه راه‌کارهای انطباق وام‌واژه‌های قرضی فعلی در کردی

با توجه به نوع رابطه گونه‌های کردی ایران با زبان فارسی و وام‌دهنده بودن زبان فارسی، استفاده از راه-کارهای انطباق فعلی در این گونه‌ها به ساخت فعل در زبان فارسی، و شباهت ساختاری آن با ساخت فعل در کردی بستگی دارد. گرایش زبان فارسی به ساخت افعال مرکب است تا افعال ساده، بنابراین تعداد افعال مرکب در آن بسیار زیادتر از افعال ساده است. از آنجا که در کردی نیز ساخت فعل مرکب وجود دارد، بهترین و ساده‌ترین راه وام گرفتن این افعال مرکب، «درج مستقیم» و استفاده از مواد زبانی مشابه در ساخت فعل قرضی است. زمانی که مواد زبانی مشابه به لحاظ آوایی وجود ندارد، زبان کردی جزء غیر فعلی فعل مرکب را به همان صورت اولیه (البته با کمی تغییر احتمالی متناسب با نظام آوایی کردی) به کار می‌برد و به جای همکرد نیز همکردی که دارای معنای مشابه است به کار می‌گیرد. همان‌طور که در بالا گفتیم موارد اخیر را در راه‌کار «وام‌گیری معنایی» جای داده‌ایم. با این توضیحات و با شمارش موارد مختلف افعال قرضی در پیکره مورد نظر، مشخص گردید که عمده‌ترین راه کار انطباق وام‌گیری فعلی در زبان کردی راه کار «درج مستقیم» و بعد از آن راه کار «وام‌گیری معنایی» است.

۴.۳. راه‌کارهای عمده انطباق وام‌واژه‌های فعلی در ترکی آذربایجانی

علی‌رغم این که زبان ترکی برخلاف زبان فارسی جزء زبان‌های هندو اروپایی نیست، به لحاظ ساخت فعل این دو زبان یک مشخصه مشترک عمده دارند: هم در زبان فارسی و هم در ترکی، استفاده از همکرد در ساخت فعل مرکب از رایج‌ترین شیوه‌های ساخت فعل می‌باشد. ترکی آذربایجانی مانند دیگر زبان‌های ایرانی و غیرایرانی که در داخل ایران تکلم می‌شوند، تحت تأثیر شدید زبان رسمی کشور یعنی فارسی قرار دارد. زمانی که به علت تماس فعل جدیدی از زبان فارسی وارد ترکی می‌شود، بهترین و اقتصادی‌ترین شیوه انطباق آن فعل، استفاده از ساختی مشابه مثل فعل مرکب می‌باشد. از آنجا که همکردهای زبان ترکی به لحاظ آوایی و ریشه به همکردهای فارسی شباهتی ندارند، برای ساخت فعل مرکب در زبان ترکی، بعد از کپی جزء غیرفعلی (همراه)، همکردی به کار می‌رود که هم‌معنای همکرد زبان وام‌دهنده (یعنی فارسی) باشد. به علت این ترجمه قرضی، این موارد را در زمره راه‌کار «وام‌گیری معنایی» در نظر گرفته‌ایم. از آنجا که ترکی آذربایجانی از زبان‌های خارجی (غیر از فارسی) کمتر فعلی را قرض می‌گیرد، برعکس گونه‌های دیگر ترکی (مثل ترکی کشور ترکیه) از راه‌کار «همکرد» بسیار کمتر استفاده می‌کند (برای توصیف استفاده از راه‌کار همکرد در ترکی ترکیه به همراه مثال رک. ولگموت ۲۰۰۹: ۸۳). بنابراین، نقش راه‌کار «همکرد» در انطباق افعال قرضی در گونه ترکی آذربایجانی آنقدر ناچیز است که می‌توان از آن صرف نظر کرد.

۴.۳.۱. وام‌گیری معنایی

همان‌طور که در قسمت قبل توضیح دادیم، راه‌کار رایج انطباق افعال مرکب قرضی از زبان فارسی، استفاده از همکردی با معنای مشابه در زبان ترکی است. در زیر این همکردها را به همراه یک مثال به دست داده-

ایم. مانند بخش‌های قبل مقاله، عدد داخل پرانتز مبین بسامد نوع، یعنی تعداد کاربرد همکرد در فعل‌های مرکب قرضی ترکی آذربایجانی (براساس فرهنگ بهزادی) است:

- «اتتمک» (ائله‌مک) / etmak "کردن": idāraetmak "اداره کردن"، (بیش از ۴۵۰ مورد)
 «ولماق» / olmaq "شدن": darj olmaq "درج شدن"، (بیش از ۱۰۰ مورد)
 «وئرمک» / vermek "دادن"، takān vermek "تکان دادن"، (۶۳)
 «چکمک» / çakmak "کشیدن": safçakmak "صف کشیدن"، (۳۲)
 «آلماق» / almāq "گرفتن": dastamāz almāq "وضو گرفتن"، (۲۴)
 «وورماق» / vurmāq "زدن": istārtvurmāq "استارت زدن"، (۱۴)
 «قالماق» / gālmāq "ماندن": sālimgālmāq "سالم ماندن"، (۸)
 «دوشمک» / dūšmak "افتادن": tafragadūšmak "تفرقه افتادن"، (۱۵)
 «قویماق» / goymāq "گذاشتن": garārgoymāq "قرار گذاشتن"، (۶)
 «سالماق» / sālmaq "انداختن": nifāqsālmaq "نفاق انداختن"، (۱۷)
 «قازانماق» / qgāzānmaq "یافتن": nufuzgāzānmaq "نفوذ یافتن"، (۳)
 «گتیرمک» / fatirmek "آوردن": tašrif fatirmek "تشریف آوردن"، (۹)
 «تاپماق» / tāpmāq "پیدا کردن": šafātāpmāq "شفا پیدا کردن"، (۸)
 «گورمک» / fōrmak "دیدن": ziyānfōrmak "زیان دیدن"، (۴)
 «آپارماق» / āpārmaq "بردن": tašāpārmaq "تشریف بردن"، (۱۱)
 «ساتماق» / sātmaq "فروختن": nāzsātmaq "ناز فروختن"، (۳)
 «ساچماق» / sāčmaq "افشاندن": šo'lasāčmaq "شعله افکندن"، (۳)
 «ایستمک» / istamak "خواستن": uzristamak "عذرخواستن"، (۲)
 «اوخوماق» / oxūmaq "خواندن": fātihaoxūmaq "فاتحه خواندن"، (۳)
 «بیلمک» / bilmak "دانستن": gadirbilmak "قدر دانستن"، (۷)
 «دئمک» / demak "گفتن": dicta demak "دبکته گفتن"، (۲)
 «ساخلاماق» / sāxlāmāq "نگه داشتن": maxfisāxlāmāq "مخفی نگه داشتن"، (۳)
 «سایماق» / sāymāq "شمردن": hečsāymāq "هیچ شمردن"، (۱).

۴. ۳. ۲. درج غیرمستقیم

یکی از شیوه‌های رایج دیگر برای ساخت فعل در ترکی (آذربایجانی) استفاده از وندهای فعل‌ساز است. با استفاده از این روش، کلمات با مقولات واژگانی مختلف (مثل اسم و صفت) با استفاده از وند فعل‌ساز تبدیل به فعل می‌شوند (رک. احمدی گیوی ۱۳۸۳: ۱۴۱-۱۴۲). از آنجاکه ترکی زبانی پیوندی است، بسامد نوع این ساخت ترکیبی بالا است. علاوه بر استفاده از این ساخت در کلمات بومی، از آن برای انطباق افعال قرضی نیز استفاده می‌شود. لازم به توضیح است که گاهی، هم از راه‌کار وام‌گیری معنایی و هم از

راه کار درج غیرمستقیم (استفاده از وند فعل‌ساز) برای انطباق یک فعل قرضی استفاده می‌شود. در بخش زیر فهرست این وندها را به‌دست داده‌ایم و در مورد مقوله پایه‌هایی که بدان‌ها متصل می‌شوند، توضیحاتی داده‌ایم.

۱. ۲. ۳. ۴. وندهای فعل‌ساز -la-/-lā-، -lan-/-lān-، -laš-/-lāš-، -lat-/-lāt-، و -u-/-i-

برای ساخت فعل، وندهای -la-/-lā-، -laš-/-lāš-، -lat-/-lāt-، و -lan-/-lān- به اسامی و صفات متصل می‌شوند. لازم به توضیح است که عامل تعیین‌کننده در وقوع a یا ā در این فعل‌سازها محیط آوایی است؛ به‌عبارت‌دیگر، کاربرد هر یک به پیشین یا پسین بودن آخرین واژه وام‌واژه بستگی دارد. در صورتی که این واژه پیشین باشد، از a و در صورت پسین بودن از ā استفاده می‌شود. به این نوع همگونی که در زبان‌های ترکی رواج فراوان دارد، «هماهنگی واژه‌ای» می‌گویند. در زیر مثال‌هایی از کاربرد هر یک از این فعل‌سازها را آورده‌ایم (عدد داخل پرانتز ناظر بر کاربرد وند مربوطه در فعل‌های مختلف است):

išāralamak "اشاره کردن"، tazalamak "تازه کردن"، (۴۲)

polomplāmaq "پلمپ کردن"، axtālāmāq "اخته کردن"، (۴۹)

mašvaratlašmak "مشورت کردن"، harislašmak "حریص شدن"، (۶۵)

buxārlāšmaq "بخارشیدن"، rāhātlašmaq "راحت‌شدن"، (۲۶)

jeldlatmak "جلد کردن"، mohkamlatmak "محکم کردن"، (۱۲)

beyāzlātmaq "سفید کردن"، āramlātmaq "آرام‌تر کردن"، (۱۹)

la'natlanmak "لعنت کردن"، tamizlanmak "تمیز کردن"، (۳۹)

hesāblānmāq "حساب‌شدن"، šādlānmāq "شادشدن"، (۱۴)

دو وند فعل‌ساز -u- و -i- نیز تنها با صفات کاربرد دارند:

turšumāq "ترش کردن" (۱)

tanjīmak "تنگ کردن" (۱).

۳. ۳. ۴. مقایسه راه‌کارهای انطباق وام‌واژه‌های فعلی در ترکی آذربایجانی

همان‌طور که دیدیم، در گونه ترکی آذربایجانی از دو راه‌کار عمده وام‌گیری معنایی و درج غیرمستقیم استفاده می‌شود. وام‌گیری معنایی براساس انتقال معنای هم‌کرد از فعل مرکب عمدتاً فارسی به ترکی صورت پذیرفته است. از آنجاکه در فارسی استفاده از فعل مرکب بسیار رایج است، راه‌کار وام‌گیری معنایی با استفاده از ساخت فعل مرکب، تعداد زیادی از افعال قرضی را در ترکی پوشش داده است و براساس داده‌ها بسامد وقوع آن از درج غیرمستقیم بیشتر است.

نتیجه‌گیری

گرچه زبان ترکی بر خلاف کردی جزء زبان‌های ایرانی نیست، نتایج حاصل از بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که این زبان نسبت به کردی به‌لحاظ استفاده از راه‌کارهای انطباق وام‌گیری فعلی به فارسی شباهت

بیشتری دارد. هم در ترکی آذربایجانی و هم فارسی از دو راه‌کار «وام‌گیری معنایی» و «درج غیرمستقیم» استفاده می‌شود، درحالی‌که یکی از راه‌کارهای عمده انطباق وام‌واژه‌های فعلی در کردی «درج مستقیم» است. این شباهت‌ها و تفاوت‌ها را در جدول زیر می‌توان خلاصه کرد (علامت + نشانه عمده بودن راه‌کار و نشانه - به معنای عمده نبودن راه‌کار در زبان مربوطه است):

راه‌کار / زبان	همکرد	وام‌گیری معنایی	درج غیرمستقیم	درج مستقیم
فارسی	+	+	+	-
کردی	-	+	-	+
ترکی آذربایجانی	-	+	+	-

علت استفاده زیاد از درج مستقیم در زبان کردی، همانا شباهت آوایی و صرفی زبان وام‌دهنده (یعنی فارسی) با زبان پذیرا/ کردی است. گونه‌های کردی ایران معمولاً فعل‌ها را مستقیماً از زبان‌های غیر فارسی (مثل انگلیسی و عربی) وام نمی‌گیرند که بخواهند به راه‌کارهایی چون راه‌کار همکرد متوسل بشوند، بنابراین با وام‌گیری این افعال به واسطه فارسی، منطقی‌ترین و آسان‌ترین راه، درج مستقیم افعال از فارسی در کردی است.

رابطه اجتماعی-زبانی ترکی آذربایجانی با فارسی تقریباً مثل رابطه گونه‌های کردی ایران با فارسی است، ولی امکان درج مستقیم افعال از فارسی برای ترکی میسر نمی‌باشد، زیرا ساخت دستوری، آوایی و معنایی این دو زبان تفاوت‌های زیادی دارد. به همین علت است که برای زبان ترکی آذربایجانی بهترین راه‌کار انطباق افعال قرضی، درج غیرمستقیم و یا راه‌کار وام‌گیری معنایی است.

حقایق فوق نشان می‌دهد که علاوه بر شباهت ساختاری زبان وام‌دهنده و زبان پذیرا، رابطه اجتماعی این دو زبان نیز در انتخاب راه‌کارهای عمده انطباق وام‌واژه‌های فعلی در زبان پذیرا مؤثر است.

منابع

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۳)، دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی، تهران: قطره.
- ارانسکی، یوسیف م (۱۳۷۸)، زبان‌های ایرانی، ترجمه دکتر علی‌اشرف صادقی، تهران: انتشارات سخن.
- انوری، حسن (۱۳۸۲)، فرهنگ بزرگ سخن، (جلدهای ۱-۸)، چاپ دوم. تهران: سخن.
- بهزادی، بهزاد (۱۳۶۹)، فرهنگ آذربایجانی-فارسی، تهران: دنیا.
- مردوخ روحانی، م (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی-کردی، (جلدهای ۱-۳)، سنندج: دانشگاه کردستان.
- منصور، یدالله (۱۳۸۲)، بررسی ساختار فعل‌های جعلی در فارسی میانه و فارسی دری، نامه فرهنگستان، ۲۲: ۱۰۸-۱۲۴.

- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر زبان عربی بر نظام واجی زبان فارسی و گونه‌های آن، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، شماره ۵: ۶۵-۹۶.
- نغزگوی کهن، مهرداد و شادی داوری (۱۳۹۱)، هم‌کردشدگی، دستور، ویژه‌نامه نامۀ فرهنگستان، شماره ۸: ۲۲۷-۲۴۴.
- Abdou, Selim. (1962) *Le bilinguisme arabe-français au Liban*. Paris: Presses Universitaires de France
- Field, F. W. (2002). *Linguistic Borrowing in Bilingual Context*. Amsterdam: Benjamins.
- Glass, Ameer and Hackett, Dorothy. (1970) *Pitjantjatjara Grammar. A Tagmemic View of the Ngayatjara (Warburton Ranges) Dialect*. Canberra: Australian Institute of Aboriginal Studies. (= Australian Aboriginal Studies; 34).
- Haspelmath, M. (2003). *Loanword Typology: Steps Toward a Systematic Cross-Linguistic Study of Lexical Borrowability*, Manuscript. Leipzig: MPIEVA.
- Haugen, E. (1950). *The Analysis of Linguistic Borrowing*. In: *Language* 26, pp. 210-231.
- Heine, B. & Kuteva, T. (2005). *Language Contact and Grammatical Change*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lewis, Geoffrey L. (1985). *Turkish Grammar*. Oxford etc.: Oxford University Press.
- Matras, Yaron. (2005). *The full extent of "Fusion": A test case for connectivity and language contact*. In: Bisang and Bierschenk et al. (eds.): *Prozesse des Wandels in historischen Spannungsfeldern Nordostafrikas / Westasiens. Akten zum 2. Symposium des SFB 295, Mainz 15.10–17.10.2001*. Würzburg: Ergon, 241–255.
- Meillet, A. (1921). *Le Probleme de la Parente des Langues*. In: *Linguistique Historique et Linguistique Generale*, pp. 76-101.
- Mifsud, M. (1995). *Loanverbs in Maltese, a Descriptive and Comparative Study*. Leiden: Brill.
- Moravcsik, E. (1975). *Verb Borrowing*. In: *Wiener Linguistische Gazette* 8, pp. 3-30.
- Moravcsik, E. (2003). *Borrowed Verbs*. Unpublished Manuscript.
- Paul, H. (1920). *Prinzipien der Sprachgeschichte* (5th ed). Tübingen: Niemeyer.
- Sakel, Jeanette. 2007. Types of loan: matter and pattern. In *Grammatical borrowing in cross linguistic perspective*. Yaron Matras and Jeanette Sakel (eds.). Berlin. New York: Mouton de Gruyter. 15-29.
- Sullivan, C. M. (2008). *A Mechanism of Lexical Borrowing*. In: *Journal of Language Contact*, pp. 17-28.
- Whitney, W. D. (1881). *On Mixture in Language*. In: *Transaction of the American Philological Association for 1881*, pp. 2-26.
- Wichman, S. (2004a). *Structural Patterns of Verb Borrowing*. MPIEVA, Leipzig.
- Wichman, S. (2004b). *Qs: Children/Mothers, Loan Verb Typology*. Posted to Linguistic List on 29 May 2004.
- Wichman, S. (2004c). *Loan Verbs in a Typological Perspective*. Paper presented at the seminar on Contact Linguistics on 14 December 2004.
- Wichman, S. & Wohlgemuth, J. (2008). *Loan Verbs in a Typological Perspective*. In: *Aspect of Language Contact*, pp. 89-121.

- Wohlgemuth, J. (2005a). *Loanword Typology: Establishing a Database of Verbal Borrowing*. Paper presented at the Romancisation Worldwide Conference. 5 May 2005.
- Wohlgemuth, J. (2005b). *Towards a Typology of Verbal Borrowing*. Paper presented at the 2nd International Postgraduate Conference. 13-14 August 2005.
- Wohlgemuth, J. (2009). *A Typology of Verbal Borrowing*. Printed in Germany.